

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

حقوق خصوصی

۱۴۰۴-۱۴۰۵

گردآورندگان

گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

پیش گفتار ۷

آزمون دکترای حقوق خصوصی ۱۴۰۴

متون فقه (معاملات) ۹

پاسخ نامه متون فقه (معاملات) ۱۳

حقوق مدنی ۳۲

پاسخ نامه حقوق مدنی ۳۵

حقوق تجارت ۵۸

پاسخ نامه حقوق تجارت ۶۲

آزمون دکترای حقوق خصوصی ۱۴۰۵

متون فقه (معاملات) ۸۴

پاسخ نامه متون فقه (معاملات) ۸۸

حقوق مدنی ۱۱۰

پاسخ نامه حقوق مدنی ۱۱۴

حقوق تجارت ۱۳۶

پاسخ نامه حقوق تجارت ۱۴۰

واژگان تخصصی ۱۶۳

تله های مفهومی ۱۷۳

نمایه ۱۷۵

منابع ۱۸۱

حوزه اصلی / مبحث فرعی	۱۴۰۰ PDF	۱۴۰۱ PDF	۱۴۰۲ PDF	۱۴۰۳ PDF	۱۴۰۴ PDF	۱۴۰۵ PDF	مجموع کل	درصد فراوانی
۱. متون فقه (معاملات)								
۱.۱. کتاب المتاجر و البیع (معاطات، بیع فضولی، شرایط عوضین، شروط ضمن عقد)	۱۲	۱۱	۱۰	۱۲	۱۰	۱۱	۶۶	۶۷٪/۱۴
۱.۲. خيارات فقهی (مجلس، حیوان، شرط، تأخیر ثمن، غبن، عیب، رؤیت)	۵	۴	۴	۴	۴	۳	۲۴	۳۳٪/۵
۱.۳. عقود معاوضی و اذنی (اجاره، جعاله، قرض، شفعه، صلح)	۵	۵	۵	۵	۴	۴	۲۸	۲۲٪/۶
۱.۴. عقود توثیقی و تعهدی (رهن، ضمان، حواله، کفالت، ودیعه، عاریه، وکالت)	۶	۷	۵	۲	۲	۳	۲۵	۵۶٪/۵
۱.۵. عقود مشارکتی و سرمایه گذاری (مضاربه، شرکت، مزارعه)	۲	۳	۲	۲	۲	۱	۱۲	۶۷٪/۱۲
۲. حقوق مدنی								
۲.۱. قواعد عمومی قراردادها و تعهدات (قصد و رضا، شروط، خسارت، سقوط تعهدات، اقاله، تهاتر)	۱۱	۱۰	۱۰	۸	۹	۸	۵۶	۴۴٪/۱۲
۲.۲. عقود معین (بیع، اجاره، رهن، ضمان، وکالت، صلح، قرض، هبه)	۹	۱۰	۷	۸	۷	۶	۴۷	۴۴٪/۱۰
۲.۳. مسئولیت مدنی و الزامات خارج از قرارداد	۴	۳	۳	۱	۳	۳	۱۷	۷۸٪/۳

حوزه اصلی / مبحث فرعی	۱۴۰۰ PDF	۱۴۰۱ PDF	۱۴۰۲ PDF	۱۴۰۳ PDF	۱۴۰۴ PDF	۱۴۰۵ PDF	مجموع کل	درصد فراوانی
(ضمان قهری، غصب، اتلاف، تسبیب، مسئولیت دولت)								
۲.۴. شفعه، وصیت و ارث (مسائل سهم الارث، موصی، وصی، رد و تنفیذ)	۴	۴	۴	۲	۳	۳	۲۰	۴۴٪/۴
۲.۵. حقوق خانواده و اشخاص (نکاح، طلاق، مهر، عده، حجر، ولایت و قیمومت)	۲	۳	۲	۳	۳	۲	۱۵	۳۳٪/۳
۳. حقوق تجارت و تجارت بین الملل								
۳.۱. شرکت های تجاری (سهامی عام و خاص، افزایش/کاهش سرمایه، مجامع، مدیران، بازرسان، ادغام و تجزیه)	۱۲	۱۱	۱۰	۵	۶	۵	۴۹	۸۹٪/۱۰
۳.۲. اسناد تجاری (برات، سفته، نوآوری های قانون صدور چک، صیاد، ظهر نویسی، ایرادات، تضامن)	۱۰	۹	۸	۳	۶	۴	۴۰	۸۹٪/۸
۳.۳. ورشکستگی، تصفیه و دوران توقف (معاملات دوره مشکوک، اداره تصفیه، غرما)	۵	۵	۵	۵	۴	۴	۲۸	۲۲٪/۶
۳.۴. تجار و قراردادهای تجاری (دلالتی، حق العمل کاری، قائم مقام تجارتی، حمل و نقل)	۳	۵	۳	۴	۴	۴	۲۳	۱۱٪/۵
۳.۵. حقوق تجارت بین الملل (اینکوترمز ۲۰۲۰، کنوانسیون بیع بین المللی CISG، اعتبارات اسنادی)	۰	۰	۰	۵	۵	۵	۱۵	۳۳٪/۳

حوزه اصلی / مبحث فرعی	۱۴۰۰ PDF	۱۴۰۱ PDF	۱۴۰۲ PDF	۱۴۰۳ PDF	۱۴۰۴ PDF	۱۴۰۵ PDF	مجموع کل	درصد فراوانی
UCP/URC، فاکتورینگ)								
۴. حقوق تعهدات پیشرفته و قراردادهای دولتی (سرفصل الحاقی آزمون‌های تجمیعی)								
۴.۱. شرایط عمومی پیمان، مناقصات، تضمینات دولتی و قراردادهای مهندسی/پیمانکاری	۰	۰	۰	۵	۵	۵	۱۵	۳۳٪/۳
مجموع سؤالات تخصصی حوزه حقوق خصوصی در سال	۹۰	۹۰	۸۰	۶۵	۶۵	۶۵	۴۵۰	۱۰۰٪

گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی ۱. تحلیل روندها و تغییر پارادایم:

- گذر از سؤالات متنی ساده به سمت سناریونویسی چندوجهی (Mini-Cases): در بازه ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵، طراحان آزمون به طور فزاینده‌ای از قالب‌های حفظی و مواد قانونی تک‌خطی فاصله گرفته و به پرونده‌های فرضی تودرتو (ترکیب معاملات فضولی، تعارض حق مرتهن با ورشکستگی تاجر، حوادث طاری قهری و خسارات تأخیر تأدیه) روی آورده‌اند.
- تثبیت پیوند حقوق تجارت با اسناد بین‌المللی و بازرگانی: از سال ۱۴۰۳ به بعد، سؤالات تجارت از صرف مواد قانونی ۱۳۱۱ و لایحه ۱۳۴۷ فراتر رفته و مفاهیمی نظیر قواعد اتاق بازرگانی بین‌المللی (اینکوترمز ۲۰۲۰، UCP ۶۰۰، ضمانت‌نامه‌های بانکی URDG)، فاکتورینگ و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) به مباحث ثابت تبدیل شده‌اند.

۲. ارزیابی و اولویت‌بندی منابع مطالعاتی:

- اولویت نخست:** مطالعه عمیق و مفهومی دوره‌های مرجع دکترین: قواعد عمومی قراردادها و عقود معین دکتر ناصر کاتوزیان، دوره پنج‌جلدی حقوق تجارت دکتر ربیعا اسکینی، و متن استدلالی مکاسب (به‌ویژه ابواب بیع و خیارات) همراه با الروضة البهیة شهید ثانی.
- اولویت دوم:** تسلط کامل بر قوانین خاص متأخر؛ نظیر قانون اصلاح قانون صدور چک (مصوب ۱۳۹۷ و ۱۴۰۰)، قانون حمایت از خانواده، قانون اجرای احکام مدنی (در بخش توقیف اموال و سهام) و قانون برگزاری مناقصات.

- **اولویت سوم:** مطالعه تطبیقی اسناد فرامرزی تجاری؛ به ویژه فصول مربوط به تعهدات خریدار و فروشنده در/اینکوترمز ۲۰۲۰ و اصول کلی حاکم بر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG ۱۹۸۰).

۳. توصیه‌های راهبردی برای داوطلبان:

- **تطبیق ارگانیک فقه با حقوق مدنی:** متون فقهی را به عنوان ماده اولیه حقوق مدنی مطالعه کنید؛ طراحان متون را با ترمینولوژی حقوقی (مانند شرط نتیجه، وجه التزام، ارش و استیفای حق) تطبیق می‌دهند.
- **تسلط بر آرای وحدت رویه جدید دیوان عالی کشور:** در موضوعاتی نظیر خسارت تأخیر تأدیه، محاسبه ارزش روز ثمن در مبیع مستحق‌للغیر، و اثر معاملات تاجر متوقف، گزینه‌های صحیح بر مبنای آرای وحدت رویه جدید استخراج می‌شوند.
- **تمرین حل مسئله به روش پرونده‌خوانی:** تسلط روی متن مواد برای قبولی دکتری کافی نیست؛ داوطلب باید با حل پرونده‌های فرضی چندعاملی، مهارت استخراج سریع قاعده حاکم در حالت تعارض حقوقی را ارتقا دهد.



مقدمه تحلیلی: رمزگشایی از آزمون کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

آزمون کارشناسی ارشد حقوق خصوصی (کد ضریب ۱ از مجموعه حقوق)، به عنوان یکی از رقابتی ترین آزمون های تحصیلات تکمیلی، دچار دگرگونی بنیادین در «روش شناسی طرح تست» و «نقشه وزن مباحث» شده است. بررسی سؤالات ادوار اخیر نشان می دهد که سازمان سنجش از «بازخوانی حافظه محور مواد قانونی» گذر کرده و به پارادایم «استدلال مسئله محور (Case-Based)»، «تله های ترکیبی» و «حاکمیت رویه قضایی و قوانین خاص متأخر» رسیده است.

این تحلیل استراتژیک بر پایه روند ۶ سال اخیر تدوین شده تا نقشه راهی دقیق برای اولویت بندی ساعات مطالعه در اختیار داوطلبان قرار دهد.

۱. کالبدشکافی تحلیلی تغییرات روش شناختی (Methodological Shift)

در بازه زمانی ۶ سال گذشته، سه دگرگونی کلان در الگوی فکری طراحان رخ داده است:

۱. گذار از تست های تعریفی به «مینی کیس ها» (Mini-Cases):

پیش تر سهم بالایی از سؤالات شامل بازخوانی نص مواد (مانند شروط صحت یا مواعد) بود. در سال های اخیر بیش از ۶۰ درصد سؤالات دروس مدنی، تجارت و آیین دادرسی مدنی در قالب سناریوهای چندوجهی طراحی می شوند (مثلاً ترکیب تصادف رانندگی با رهن خودرو، خیار تبعض صفقه هم زمان با تلف بخشی از مبیع کلی، یا توقیف سهم الشرکه در اثنای ورشکستگی).

۲. پایان استقلال جزیره ای دروس (تست های چندمنظوره):

طراحان مرز سنتی دروس را شکسته اند؛ امروزه تست های حقوق مدنی به شدت با «اجرای احکام مدنی» و «قواعد اثبات دعوا» پیوند خورده و تست های حقوق تجارت بدون تسلط بر «قواعد عمومی قراردادهای مدنی» و «قوانین خاص ثبتی و ارزی» قابل پاسخگویی نیستند.

۳. حاکمیت آرای وحدت رویه متأخر و قوانین خاص نوظهور:

اتکا به قوانین مادر (مصوب ۱۳۰۷ یا ۱۳۱۱) بدون اشراف به آرای وحدت رویه اخیر هیئت عمومی دیوان عالی کشور (به ویژه در حوزه خسارت تأخیر تأدیه، وجه التزام، غرامات مبیع مستحق للغير و تعدیل اقساط مهریه) و قوانین خاصی همچون *قانون اصلاح قانون صدور چک* و *قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول*، به افت تراز منجر می شود.

۲. مباحث همواره پر تکرار و بودجه بندی استراتژیک (Core Topics)

به تفکیک دروس اصلی گرایش حقوق خصوصی، مباحثی که در طول ۶ سال همواره کانون اتکای طراحان بوده اند، عبارتند از:

الف) حقوق مدنی (ضریب ۳) — قلب تپنده آزمون

- **قواعد عمومی قراردادهای (مدنی ۳):** مبحث «شروط ضمن عقد» (صحت، فساد، اثر شرط نامقدور و شرط نتیجه)، «نظریه عیوب اراده (اشتباه و اکراه)»، «خسارت ناشی از عدم انجام تعهد و وجه التزام» و «اسباب سقوط تعهدات (با تمرکز بر تهاوتر و تبدیل تعهد)».
- **عقود معین (مدنی ۶ و ۷):** احکام تفصیلی «بیع فضولی و ضمان درک»، «اختیارات فقهی/مدنی (به ویژه خیار عیب، غبن و تأخیر ثمن)»، «اجاره (به ویژه روابط موجر و مستأجر سال های ۵۶ و ۷۶)» و «عقود توثیقی و تعهدی (رهن، ضمان و وکالت بلاعزل)».
- **ارث و وصیت (مدنی ۸):** حداقل ۲ تا ۳ تست محاسباتی با مسأله تسهام، رد و عول، و احکام تنفیذ وصیت مازاد بر ثلث.

ب) حقوق تجارت (ضریب ۲) — تمرکز بر دو قطب سنگین

- **شرکت های تجاری (به ویژه سهامی):** بیش از ۴۰ درصد سؤالات این درس به لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ اختصاص دارد؛ شامل نصاب مجامع عمومی (عادی و فوق العاده)، وظایف، اختیارات و مسئولیت مدنی/کیفری مدیران و بازرسان، فرآیند افزایش و کاهش سرمایه، و ادغام/تجزیه.
- **اسناد تجاری:** برات، سفته و به ویژه «نوآوری های قانون صدور چک (سامانه صیاد، چک موردی، تضامن امضاکنندگان و شیوه صدور اجراییه مستقیم)».
- **ورشکستگی:** تعیین دقیق تاریخ توقف، احکام معاملات دوره مشکوک (ماده ۴۲۳ ق.ت) و رژیم حقوقی تصفیه و بستانکاران دارای وثیقه.

ج) آیین دادرسی مدنی (ضریب ۱) — فراتر از ضریب عددی

اگرچه ضریب این درس ۱ است، اما به دلیل انحراف معیار بالا، رتبه سازترین درس به شمار می رود.

- **صلاحیت ها:** صلاحیت ذاتی، محلی و تحولات صلاحیت «شوراهای حل اختلاف و دادگاه های صلح».
- **طرق فوق العاده شکایت از آرا:** فرجام خواهی، اعاده دادرسی و اعتراض شخص ثالث (با تأکید بر مواعد و جهات).
- **اجرای احکام مدنی:** توقیف اموال منقول و غیرمنقول، مواعد، مستثنیات دین و مزایده.

د) متون فقه (ضریب ۲) — تکیه بر متون معاملات تحلیلی

- سرفصل‌های اصلی کتاب‌های «المتاجر / البیع»، «الخيارات»، «الرهن»، «الضمان» و «الاجاره» از *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* (شهیدین). بیش از ۷۰ درصد سؤالات این بخش عیناً برگردان فقهی همان احکام حقوق مدنی ۳، ۶ و ۷ هستند.

۳. بررسی بسامد دیدگاه صاحب‌نظران و دکتربین مرجع

در آزمون کارشناسی ارشد سازمان سنجش، اگرچه رسماً نامی از اساتید برده نمی‌شود، اما پاسخ‌های صحیح تست‌ها کاملاً بر چارچوب فکری مکاتب برجسته حقوق خصوصی استوار است:

درس	نظریه‌پرداز و مکتب فکری مسلط	رویکرد و اثر شاخص در پاسخ‌نامه کلید
حقوق مدنی	مکتب استاد فقید دکتر ناصر کاتوزیان	نظریات ایشان در دوره‌های چندجلدی «قواعد عمومی قراردادها»، «عقود معین» و «مسئولیت مدنی» فصل‌الخطاب قطعی سازمان سنجش است. در پاره‌ای از تعاریف انشایی و اراده باطنی، نظریات استدلالی دکتر مهدی شهیدی نیز محل رجوع قرار می‌گیرد. در حقوق اشخاص و خانواده، دیدگاه‌های دکتر سید حسین صفایی و دکتر اسدالله امامی مرجع است.
حقوق تجارت	استاد فقید دکتر ربیعا اسکینی	پنج‌جلدی حقوق تجارت ایشان (به‌ویژه اسناد تجاری، شرکت‌ها و ورشکستگی) پایه اصلی پاسخ‌هاست. در تحلیل لایحه اصلاحی شرکت‌های سهامی، دیدگاه‌های تطبیقی دکتر نصرالله پاسبان و در مباحث چک صیادی، کتب محشای قانون تجارت مدنظر است.
آیین دادرسی مدنی	دکتر عبدالله شمس	دوره بنیادین و پیشرفته سه‌جلدی دکتر شمس، متن مطلق طراحان در استخراج گزینه‌ها و تحلیل مواعید و صلاحیت‌هاست.
متون فقه	شیخ انصاری و شهیدین	تسلط بر اصطلاحات فنی شهید اول و تبیین‌های تحلیلی شهید ثانی در شرح لمعه با تطبیق بر مبانی مکاسب شیخ اعظم انصاری.

۴. تغییر جهت‌گیری‌های طراحان در طول سال‌های اخیر

۱. کاهش بسامد سؤالات حفظی صرف: تست‌هایی که پاسخ آن‌ها صرفاً یادآوری یک عدد یا مهلت تقویمی ساده بود، جای خود را به تست‌هایی داده‌اند که همان مواعید را در قالب یک پرونده تاریخ‌دار (محاسبه مهلت تجدیدنظرخواهی با احتساب تعطیلات و ابلاغ واقعی/قانونی) می‌سنجند.
۲. چرخش از حقوق تجارت سنتی به نظام‌های پولی و اعتباری مدرن: سؤالات راجع به صراف و دلال به حداقل رسیده و تمرکز روی ساختارهای اعتباری، چک الکترونیک، ضمانت‌نامه‌ها و تداخل مقررات بورس و اوراق بهادار با شرکت‌های سهامی سوق یافته است.
۳. همگرایی کامل متن فقه و قانون: طراحان دیگر متن عربی را صرفاً برای ترجمه لغوی طرح نمی‌کنند؛ بلکه عبارتی فقهی انتخاب می‌شود که دقیقاً متناظر با ماده‌ای چالش‌برانگیز در قانون مدنی (مانند تلف مبیع قبل از قبض یا شرط خیار به نفع ثالث) باشد.

۵. توصیه‌های راهبردی برای داوطلبان (مطالعه هدفمند)

- مطالعه شبکه‌ای و پیوسته فقه و مدنی: هر مبحثی را که در حقوق مدنی مطالعه می‌کنید (مانند خیار عیب یا بیع فضولی)، مبحث متناظر آن را در شرح لمعه بخوانید. این هم‌پوشانی، یادگیری را تثبیت و پاسخ‌دهی به متون فقه را بدون نیاز به حفظیات مجزا ممکن می‌سازد.
- تسلط بر ماده‌خوانی تحلیلی (قانون‌محوری آگاهانه): متن قوانین اصلی و خاص باید سطر به سطر، همراه با ارجاعات حاشیه‌ای به آرای وحدت رویه، خوانده شود.
- رمزگشایی از تست‌ها با متد «علت‌یابی رد گزینه‌ها»: هنگام بررسی تست‌های سنوات اخیر، به‌جای خشنودی از یافتن گزینه صحیح، ۳ گزینه غلط را کالبدشکافی کنید؛ زیرا تله‌های استفاده‌شده در گزینه‌های نادرست امسال، صورت سؤالات سال بعد خواهند بود.

به نام دانای دادگر

پیش‌گفتار و راهنمای جامع داوطلبان آزمون دکتری تخصصی حقوق خصوصی

طلیعه سخن

رسیدن به مدارج عالی دانشگاهی در رشته وزین حقوق خصوصی، نه صرف یک توفیق آموزشی، بلکه نمایانگر توانمندی پژوهشگر در پیوند استوار میان اصول استدلالی فقه کهن امامیه، ظرافت‌های منطقی حقوق تعهدات و مسئولیت مدنی و نظام پویا و دگرگون‌شونده حقوق تجارت و اسناد بازرگانی است. تحلیل و ارزیابی عمیق کارشناسی بر روی آزمون‌های دکتری تخصصی در سال‌های اخیر، به‌ویژه در بازه زمانی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ و نقطه عطف تحولی در دفترچه‌های سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵، آشکارا نشان می‌دهد که طراحان آزمون سراسری از سنجه‌های سنتی مبتنی بر «بازخوانی حافظه‌محور مواد قانونی» گذر کرده و به پارادایم نوین «سناریونویسی حقوقی، شبیه‌سازی پرونده‌های پیچیده (Case-Method) و طرح معماهای چندوجهی قضایی» رسیده‌اند. کتابی که اینک پیش روی جامعه فرهیخته حقوقی، داوطلبان پرتلاش آزمون دکتری تخصصی (Ph.D) و همکاران دانشگاهی و قضایی قرار دارد، با درک بنیادین همین نیاز تاریخی و با تکیه بر استانداردهای جهانی طراحی محتوای آموزشی تدوین یافته است. این اثر صرفاً گزارشی توصیفی از سوالات سنوات گذشته نیست؛ بلکه «سامانه‌ای نقادانه، موشکاف و تحلیلی» است که نقشه ذهنی طراحان را بازخوانی نموده و ابزار مواجهه علمی با دشوارترین گزینه‌های انحرافی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد.

رویکرد روش‌شناختی و اسناد بالادستی در تألیف مجموعه

این اثر با انطباق دقیق بر آخرین سرفصل‌های مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و با امعان نظر به مراجع رسمی، دکترین مرجع حقوق خصوصی و آزمون‌های سازمان سنجش آموزش کشور فراهم آمده است. فرایند مهندسی آموزشی این کتاب بر سه محور ساختاری استوار است:

- **انطباق بر کتب و متون مرجع دکترین:** در فقه معاملات، تکیه تام بر متون فنی و عبارات فقه استدلالی در مکاسب المحرمه والبيع والخيارات شيخ اعظم انصاری (ره) و شرح ظرایف ایجاز‌گونه شهید اول توسط شهید ثانی در الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية صورت گرفته است. در حقوق مدنی، مرجعیت مکتب تحلیلی و عدالت‌محور استاد فقید دکتر ناصر کاتوزیان (به‌ویژه در قواعد عمومی قراردادها، شروط ضمن عقد و ضمان قهری)، دقت‌های منطقی و انشایی استاد فقید دکتر مهدی شهیدی، و رویکردهای جامع اساتیدی چون دکتر سید حسین صفایی در حقوق اشخاص، اموال و خانواده مبنا قرار دارد. در حقوق تجارت نیز، کتاب مبتنی بر پنج‌گانه تخصصی استاد فقید دکتر ربیعا اسکینی در شرکت‌های تجاری، اسناد براتی و ورشکستگی همراه با تحلیل تطبیقی با اسناد بین‌المللی تدوین شده است.
- **همگرایی سیستمی با تحولات تقنینی و اسناد فرامرزی:** در پاسخ‌نامه‌های تشریحی این کتاب، هیچ سوالی در دایره قوانین مصوب ۱۳۱۱ محصور نمانده است؛ بلکه تعامل پویای قوانین بنیادین با قوانین متأخر نظیر قانون اصلاح قانون صدور چک (۱۳۹۷) و ۱۴۰۰، قانون حمایت از مالکیت صنعتی (۱۴۰۳)، قانون برنامه هفتم پیشرفت، قانون برگزاری مناقصات (۱۳۸۳)، و اسناد بین‌المللی بازرگانی از جمله قواعد اینکوترمز ۲۰۲۰ (Incoterms ۲۰۲۰)، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (UNIDROIT Principles)، مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (UCP ۶۰۰) و کنوانسیون‌های ژنو و آنسیترال به شکل کاربردی تشریح شده است.
- **حاکمیت آرای وحدت رویه و رویه قضایی روزآمد:** آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، به‌ویژه در موضوعات مناقشه‌برانگیزی چون محاسبه غرامات ناشی از مستحق‌لغیر درآمدن مبیع و افت ارزش ثمن، مشروعیت یا بطلان خسارت تأخیر

تأدیه بیش از شاخص تورم، توقف تاجر و آثار رهن در دوره مشکوک، خط کش قطعی گزینش پاسخ صحیح در این کتاب قرار گرفته‌اند.

ساختار و مهندسی اجزای کتاب

مجموعه حاضر برای انتقال حداکثری مفاهیم و تثبیت الگوهای استدلالی در ذهن داوطلب، از یک چرخه پیوسته تحلیلی بهره می‌برد:

- **طرح صورت مسئله در قالب مینی کیس (Mini-Cases):** مواجهه داوطلب با وقایع حقوقی پیچیده و چندوجهی به منظور تقویت مهارت توصیف حقوقی و استخراج حکم.
- **بیان موضوع محوری سوال:** شفاف سازی ریشه قانونی و فقهی سوال در طلیعه پاسخ نامه.
- **پاسخ تفصیلی، اجتهادی و مستند:** ارائه پاسخ مستدل با اتکا به نصوص قانونی، قواعد اصولی و کتب مرجع.
- **بررسی و کالبدشکافی انتقادی سایر گزینه‌ها:** ارائه دلایل بطلان، انحراف یا تخصیص گزینه‌های نادرست تا هیچ ابهامی در ذهن مخاطب باقی نماند.
- **شگردها و تله‌های مفهومی (Trap Identification):** پرده برداری از خطاهای رایج روانی، پیش فرض‌های شتاب زده، اشتراکات لفظی و تله‌های ترجمه در متون فقهی.
- **جداول مقایسه‌ای و ماتریس‌های تطبیقی:** طبقه بندی بصری نهادهای مشابه (نظیر وکالت و وصایت، بیع سلف و کالی به کالی، یا مسئولیت دلال و ودیعه گیر) در پایان هر تحلیل به منظور ماندگاری ساختاریافته مفاهیم در حافظه تصویری.

کانون‌های راهبردی و اولویت‌های آزمونی (Priority Matrix)

بر اساس استخراج آماری این مجموعه:

در متون فقه معاملات: ابواب/بیع (شروط متعاقدين، معاطات، بیع فضولی و سلف) و/الخيارات (به ویژه خیار غبن، عیب، تأخیر ثمن و خیار مشترک) در کنار عقود توثیقی و/امانی (رهن، ضمان، حواله و کفالت)، بالغ بر ۷۵٪ وزن سوالات را به خود اختصاص داده‌اند.

- **در حقوق مدنی:** هسته سخت آزمون بر دو محور قواعد عمومی قراردادها (نظریه قصد و رضا، شرایط صحت و بطلان، رژیم حقوقی شروط ضمن عقد و وجه التزام) و عقود معین تملیکی و توثیقی (بیع، اجاره، رهن، ضمان و وکالت) می‌چرخد.

- **در حقوق تجارت:** تمرکز استراتژیک بر لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ۱۳۴۷ (شرکت‌های سهامی) و نظام اسناد تجاری (برات، سفته، چک صیادی) قرار دارد که بیش از ۵۴٪ آزمون را دربرمی‌گیرد و در رتبه بعدی مباحث توقف، ورشکستگی و تصفیه دیون قرار دارد.

فرجام سخن

کتاب حاضر حاصلی است از ماه‌ها تحقیق و تدقیق در آرای اساتید فقید و معاصر، تنقیح مبانی فقهی و انطباق با واقعیت‌های مساله محور آزمون دکتری. امید واثق است این مجموعه برای جامعه دانشگاهی، داوطلبان گرامی دوره‌های دکتری تخصصی، کارشناسان ارشد، وکلا و قضات محترم عدلیه، اثری ماندگار و راهگشا در گشایش گره‌های علمی حقوق خصوصی واقع گردد. توفیق همگان را در ارتقای عدالت و خدمت به ساخت علم حقوق، از پیشگاه پروردگار دادگر مسألت داریم.

گروه مؤلفین و هیئت علمی پردازش

آزمون دکترای حقوق خصوصی ۱۴۰۴

متون فقه (معاملات)



۱. موضوع اصلی در متن زیر چیست؟
«لَا بَدَّ مِنْ تَقْدِيرِ الْمُسْلِمِ فِيهِ بِالْكَيْلِ أَوْ الْوِزْنِ الْمَعْلُومِينَ أَوْ الْعَدَدِ.»
(۱) مبيع در همه موارد، فقط باید از چیزهایی باشد که با پیمانه یا وزن یا عدد، قابل تعیین باشد.
(۲) لزوم معین و معلوم بودن مورد معامله در عقودی مانند بیع و اجاره
(۳) معیارهای تعیین مقدار مبيع و ثمن در عقد بیع
(۴) لزوم معلوم بودن مقدار مبيع در بیع سلف
۲. از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟
«يجوز بيع المتاع بدون قيمته و أضعافها، إلّا أن يؤدّى إلى السفه من البائع أو المشتري فيبطل البيع.»
(۱) بیع بلا ثمن باطل است، چرا که نشانه سفاهت بایع یا مشتری است.
(۲) فروش کالا به کمتر از قیمت، به سفاهت و بطلان بیع منجر می‌شود.
(۳) فروش کالا به کمتر از قیمت، در صورتی جایز است که به سفاهت فروشنده منجر نشود.
(۴) بیع بدون ثمن یا به چند برابر قیمت، در صورتی جایز است که هیچ یک از بایع و مشتری سفيه نباشد.
۳. واژه «یتبارء» در متن زیر، به چه معنا است؟
«يتخلّص من الربا بأن يقرض كل منهما صاحبه و يتبارءا بعد التقابض الموجب لملك كل منهما ما اقترضه و صيرورة عوضه في الذمة. و مثله ما لو وهب كل منهما الآخر عوضه.»
(۱) ذمه یکدیگر را ابراء کنند.
(۲) دو دین را تهاتر کنند.
(۳) مالک ما فی الذمه یکدیگر می‌شوند.
(۴) هریک طلب خود را به دیگری هبه کند.
۴. با توجه به متن زیر، کدام مورد در خصوص بیع تولیت درست است؟
«التولية هي الإعطاء برأس المال. فيقول بعد علمهما بالثمن و ما تبعه: «وليتك هذا العقد». فإذا قبل لزمه مثله جنساً و قدراً و صفةً. و لو قال: «بعتك»، أكمله بالثمن، أو بما قام عليه.»
(۱) ثمن می‌تواند مال مثلی یا قیمی باشد.
(۲) مبيع به همان قیمت تمام شده فروخته شود.
(۳) فقط باید با صیغه مخصوص «تولیت» انشاء شود.
(۴) فروشنده نمی‌تواند هزینه‌هایی را که برای مبيع تحمل کرده، جزو ثمن حساب کند.
۵. از عبارت زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟
«يستثنى من اعتبار رضى المحيل ما لو تبرّع المحال عليه بالوفاء فلا يعتبر رضى المحيل، لأنه وفاء دينه بغير إذنه. و العبارة عنه حينئذ أن يقول المحال عليه للمحتال: «أحلتك بالدين الذي لك على فلان على نفسي». فيقبل. فيقومان بركن العقد.»
(۱) پس از تحقق عقد حواله بین محیل و محتال، محال علیه بدهی محیل را به قصد تبرع بپردازد.
(۲) پس از تحقق عقد حواله بین محال علیه و محتال، شخص ثالثی بدهی مدیون اصلی را بپردازد.
(۳) پس از تحقق عقد حواله بین محیل و محتال، محال علیه بدهی محیل را بدون اذن وی بپردازد.
(۴) پس از تحقق عقد حواله بین محال علیه و محتال، محال علیه بدهی مدیون اصلی را بدون اذن وی بپردازد.



۶. با توجه به متن زیر، عقد جعالة نسبت به جاعل و در موردی که عامل بخشی از کار را انجام داده است، چه حکمی دارد؟
«الجعالة جائزة من طرف العامل مطلقاً و أما الجاعل فجائزة من طرفه قبل التلبس بالعمل، و أما بعده فجائزة بالنسبة إلى ما بقى من العمل.»

- (۱) نسبت به بخشی از کار که انجام نشده، لازم و نسبت به بخش انجام شده، جایز است.
- (۲) نسبت به بخشی از کار که انجام نشده، جایز و نسبت به بخش انجام شده، لازم است.
- (۳) لازم است، هم نسبت به بخشی از کار که انجام نشده و هم نسبت به بخش انجام شده.
- (۴) جایز است، هم نسبت به بخشی از کار که انجام نشده و هم نسبت به بخش انجام شده.

۷. با توجه به متن زیر، اجاره مال مشاع توسط یکی از دو شریک چه حکمی دارد؟
«كلما يصح الانتفاع به مع بقاء عينه تصح إجارته، منفرداً كان أو مشاعاً. إذ لا مانع من المشاع باعتبار عدم القسمة، لإمكان استيفاء المنفعة بموافقة الشريك و لا فرق بين أن يؤجره من شريكه و غيره.»

- (۱) صحیح و نافذ است، چه به شریک دیگر اجاره داده شود، چه به شخص ثالث.
- (۲) باطل است، چون عین مستأجره بدون موافقت شریک، مقدورالتسليم نیست.
- (۳) فقط در صورتی صحیح و نافذ است که به شریک دیگر، اجاره داده شود.
- (۴) فضولی است و با موافقت شریک دیگر، نافذ می‌شود.

۸. مقصود از خيار مشترك در متن زیر چیست؟
«خيار المجلس مختص بالبيع. و يسقط بمفارقة احدهما صاحبه. و لو فسخ أحدهما وأجاز الآخر، قدم الفاسخ. و كذا يقدم الفاسخ على المميز في كل خيار مشترك.»

- (۱) فقط مشترك بین خریدار و فروشنده
- (۲) مشترك از لحاظ نوع عقد و طرفین آن
- (۳) مشترك بین طرفین در همه عقود
- (۴) مشترك بین بیع و سایر عقود

۹. از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟
«الرهن وثيقة للدين. و أتى بالدين معرّفًا من غير نسبة له إلى المرتهن حذراً من الدور. و فيه — على تقدير عدم الإضافة إلى المرتهن — إمكان الوثيقة بدون الرهن، بل بالوديعة و العارية و مطلق وضع اليد. فيؤخذ مقاصّة عند جحود المدينون الدين، و هو توثيق في الجملة»

- (۱) طلبکار در هیچ موردی نمی‌تواند مالی را که از مدیون به عنوان عاریه در دست دارد، برای استیفای طلب خود بردارد.
- (۲) عدم استرداد مال مورد امانت، در هر حال حرام و خیانت در امانت محسوب می‌شود.
- (۳) در دست داشتن مال دیگری تحت هر عنوانی که باشد، نوعی وثیقه ایجاد می‌کند.
- (۴) عقودی مانند ودیعه و عاریه، صرفاً اذنی هستند و کارکرد توثیقی ندارند.

۱۰. با توجه به متن زیر، اگر زن و شوهر در مقدار فدیة در طلاق خلع اختلاف کنند، کدام مورد درست است؟
«لو تنازعا في قدر الفدية حلفت لأصالة عدم زيادتها عما تعترف به منها.»

- (۱) سخن شوهر مقدم است چون زن معترف به زیاد نبودن مقدار است.
- (۲) سخن شوهر مقدم است به دلیل اصل زیاد نبودن فدیة.
- (۳) سخن زن مقدم است به دلیل اصل اشتغال.
- (۴) سخن زن مقدم است به دلیل اصل براءة.

۱۱. با توجه به متن زیر، اگر زوجه از زوج کراهت نداشته باشد، کدام مورد درست است؟
«لا يصح الخلع إلا مع كراهتها له فلو طلقها و لم تكره بطل البذل ووقع الطلاق رجعيًا من حيث البذل. وقد يكون بائناً من جهة أخرى ككون الطلقة ثالثة.»

- (۱) طلاق خلع واقع نمی‌شود.
- (۲) فقط طلاق بائن واقع می‌شود.
- (۳) هیچ طلاقى واقع نمی‌شود.
- (۴) بذل فدیة باطل است اما طلاق خلع واقع می‌شود.



۱۲. از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟

«تحلّ الديون المؤجلة إذا مات المديون، سواء في ذلك مال السلم للعموم. و كون أجل السلم يقتضي قسطاً من الثمن. و لا يدفع عموم النص.»

(۱) با مرگ فروشنده در بیع سلف، دین وی حال نمی‌شود، به دلیل این که بخشی از ثمن در مقابل مدت است.

(۲) با مرگ فروشنده در بیع سلف، دین وی حال می‌شود، به دلیل عام بودن روایت مربوطه.

(۳) با مرگ خریدار در بیع سلف، دین وی حال نمی‌شود.

(۴) با مرگ خریدار در بیع سلف، دین وی حال می‌شود.

۱۳. مقصود از عبارت «وهبه بعد ما أدّى الجميع البعض أو الجميع؟ چیست؟

«لو أذن المضمون عنه للضامن في الضمان رجح بأقلّ الأمرين مما آداه و من الحق. و لو و هبه بعد ما أدّى الجميع البعض أو الجميع جاز رجوعه به.»

(۱) ضامن تمام دین را بپردازد و سپس مضمون له تمام یا بعض آنچه را دریافت کرده، به ضامن ببخشد.

(۲) ضامن بعد از پرداخت دین به مضمون له، تمام یا بخشی از آن را به مضمون عنه ببخشد.

(۳) مضمون له تمام یا بخشی از دین را از ضامن مطالبه نکند و وی را ابراء نماید.

(۴) مضمون له تمام یا بخشی از دین را قبل از دریافت از ضامن، به وی ببخشد.

۱۴. مقصود از شرط در عبارت «کتخلف شرط» چیست؟

«لو ضمن للمشتري عهدة الثمن، لزمه في كل موضع يبطل فيه البيع من رأس كالاتحقاق للمبيع المعين. و مثله تبين خلل في البيع اقتضى فساداً من رأس كتخلف شرط أو اقتران شرط فاسد، لا ما تجدد فيه البطلان كالفسخ بالمجلس و الحيوان و الشرط.»

(۱) خيار شرط و خيار تخلف شرط

(۲) خيار تخلف شرط

(۳) شرط باطل و مبطل در ضمن عقد

(۴) یکی از شروط صحت عقد

۱۵. با توجه به متن زیر، کدام مورد درباره اثر فوت مكفول درست است؟

«لو مات المكفول قبل إحضاره بطلت الكفالة، لفوات متعلّقها و هو النفس، و فوات الغرض لو أريد البدن. إلّا في الشهادة على عينه ليحكم عليه باتلافه أو المعاملة.»

(۱) اگر احضار جسد مكفول فایده حقوقی داشته باشد، كفالت باقی است.

(۲) كفالت در همه موارد از بین می‌رود، چون احضار جسد فایده‌ای ندارد.

(۳) بقا یا از بین رفتن كفالت، فقط به اراده مكفول له وابسته است.

(۴) كفیل باید در همه موارد، زنده یا مرده مكفول را احضار کند.

۱۶. موضوع اصلی در عبارت زیر چیست؟

«لا يلزم اشتراط الأجل فيه [أي عقد القرض] لا له و لا لغيره. لأنّه عقد جائز فلا يلزم ما يشترط فيه إلحاقاً لشرطه بجزئه. نعم لو شرط أجل القرض في عقد لازم لم.»

(۱) عدم لزوم تعیین مدت در عقد قرض

(۲) جایز بودن عقد قرض

(۳) شروط و اجزای عقد قرض، حکم واحدی دارند.

(۴) الزام آور نبودن شرط أجل ضمن عقد قرض

۱۷. از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟

«[العامل في المضاربة] لا يشتري من ربّ المال شيئاً، لأنّ المال له، و لا يشتري مال الإنسان بماله.»

(۱) اگر عامل چیزی از مضارب بخرد، معامله با خود محسوب می‌شود و باطل است.

(۲) معامله عامل با مضارب باطل است، چون موجب تعارض منافع می‌شود.

(۳) عامل نباید با سرمایه از صاحب سرمایه چیزی بخرد.

(۴) خریدار و فروشنده باید دو شخص متفاوت باشند.



۱۸. از متن زیر، کدام مورد استفاده می‌شود؟

«إذا استعار أرضاً و عيّن له جهة لم يتجاوزها و لو إلى المساوى و الأدون. و دخول الأدون بطريق أولى ممنوع. نعم لو علم انتقاء الغرض بالمعيّن اتّجه جواز التخطّي إلى الأقل.»

- (۱) اگر مستعیر مُجاز در کاشتن برنج در زمین مورد عاریه باشد، به طریق اولی می‌تواند گندم بکارد.
- (۲) مستعیر در همه موارد می‌تواند منفعتی را استیفاء کند که ضرر کمتری از منفعت تعیین شده دارد.
- (۳) اگر مستعیر بداند که معیر هدف خاصی از تعیین منفعت نداشته، می‌تواند منفعت کم‌ضررتر را استیفاء کند.
- (۴) اگر مستعیر مُجاز در ساختن خانه سه طبقه در زمین مورد عاریه باشد، به طریق اولی می‌تواند خانه یک طبقه بسازد.

۱۹. با توجه به متن زیر، درباره شهادت یک مرد و دو زن، کدام مورد درست است؟

«تثبت الوكالة بعدلين و لا تقبل فيها شهادة النساء منفردات و لا منضمات إلى الرجال، لاختصاصها حينئذٍ بالمال و ما فی حكمه. و الوكالة ولاية على التصرف و إن ترتّب عليها المال لكنّه غير مقصود.»

- (۱) فقط امور مالی ثابت می‌شود.
- (۲) همه امور، اعم از مالی و غیرمالی ثابت می‌شود.
- (۳) هیچ امری، اعم از مالی و غیرمالی ثابت نمی‌شود.
- (۴) فقط امور غیرمالی که دارای آثار مالی باشد، ثابت می‌شود.

۲۰. طبق نظر شارح در متن زیر، فراهم کردن ابزار و وسایل لازم، بر عهده چه کسی است؟

«كلّ ما يتوقف عليه توفية المنفعة فعلى المؤجر». و الأقوى الرجوع فيه إلى العرف فإن انتفى فعلى المستأجر [لأنّ الواجب على المؤجر إنّما هو العمل، لأنّ ذلك هو المقصود من إجارة العين، أما الأعيان فلا تدخل في مفهوم الإجارة على وجه يجب إذهابها لأجلها، إلا في مواضع نادرة كالرضاع والاستحمام.]

- (۱) بر عهده مستأجر است، مگر در صورت وجود عرف مخالف.
- (۲) در صورت عدم وجود عرف، بر عهده مستأجر است.
- (۳) در اجاره اشیا، به عهده موجر و در اجاره اشخاص، به عهده مستأجر است.
- (۴) در اجاره اشیا، به عهده مستأجر و در اجاره اشخاص، به عهده موجر است.

۲۱. با توجه به متن زیر، شرط تأخیر در کدام مورد درست نیست؟

«إطلاق العقد – بتجريدة عن شرط تأخير أحد العوضين أو تأخيرهما إذا كانا عينيّن أو أحدهما – يقتضى قبض العوضين.»

- (۱) مبيع و ثمن، عین خارجی باشند.
- (۲) فقط مبيع، عین خارجی باشد.
- (۳) فقط ثمن، عین خارجی باشد.
- (۴) مبيع و ثمن، کلی در ذمه باشند.

۲۲. مقصود از «ناظر» در متن زیر چیست؟

«لا تبطل الإجارة بالموت إلّا أن تكون العين موقوفة على المؤجر وعلى من بعده من البطون فيؤجرها مدّة و يتفق موته قبل انقضائها فتبطل. نعم لو كان ناظراً و أجرها لمصلحة البطون لم تبطل بموته.»

- (۱) متولّی موقوفه که در اینجا موقوف علیه هم هست.
- (۲) متولّی موقوفه، خواه موقوف علیه باشد خواه نباشد.
- (۳) ناظر موقوفه که در اینجا موقوف علیه هم هست.
- (۴) ناظر موقوفه خواه موقوف علیه باشد خواه نباشد.



موضوع سوال: موضوع اصلی این عبارت فقهی، بیان یکی از شرایط اساسی و اختصاصی صحت «بیع سلف» یا «سلم» (Forward Sale) است. در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، مبیع در عقد سلف باید از نظر مقدار کاملاً مشخص و معلوم باشد تا از غرر (جهل منجر به خطر) جلوگیری شود. اصطلاح «المسلم فیه» مستقیماً و منحصرأ به مبیع در عقد سلم اشاره دارد و متن بر لزوم تعیین مقدار آن از طریق مقیاس‌های متعارف تأکید می‌ورزد.

پاسخ تشریحی: در عقد سلف (سلم)، خریدار ثمن را نقدأ می‌پردازد و فروشنده متعهد می‌شود که مبیع کلی را در آینده تحویل دهد. از آنجا که مبیع در هنگام انعقاد عقد عینیت خارجی ندارد و در قالب «کلی فی الذمه» است، احتمال بروز غرر بسیار بالاست. متون فقهی و قانون مدنی مقرر می‌دارند که برای رفع این غرر، باید جنس، وصف و مقدار مبیع به طور دقیق مشخص شود. عبارت «لا بد من تقدیر» دلالت بر وجوب و لزوم دارد. «المسلم فیه» همان کالایی است که پیش‌فروش می‌شود. بنابراین، تعیین مقدار آن با ابزارهای متعارف سنجش مختص هر کالا (کیل برای مکیلات، وزن برای موزونات و عدد برای معدودات) الزامی است. این قاعده در راستای اجرای قاعده فقهی نفی غرر و ماده ۳۴۲ قانون مدنی ایران (لزوم معلوم بودن مقدار، جنس و وصف مبیع) تبیین شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه یک نادرست است زیرا حکم را به صورت مطلق به «همه موارد» تعمیم داده است؛ در حالی که مبیع در مواردی می‌تواند به صورت مشاهده (مانند عین معین) معلوم شود و لزوماً نیازی به وزن یا پیمانانه در تمام بیع‌ها نیست، ضمن اینکه متن صراحتاً درباره «المسلم فیه» است. گزینه دو نیز به دلیل شمولیت بیش از حد و اشاره به «اجاره» که هیچ معادلی در متن عربی ندارد، مردود است. گزینه سه نادرست است زیرا عبارت فقهی مذکور تنها به «المسلم فیه» (مبیع در سلم) اشاره دارد و درباره استناداردهای تعیین «ثمن» (که در بیع سلم به آن «مُسَلَّم» یا «رأس المال» می‌گویند) سخنی به میان نیاورده است.

راه حل تستی: کلید طلایی برای حل این سؤال در کمتر از چند ثانیه، تسلط بر واژگان اختصاصی عقود در فقه است. طراح با استفاده از کلمه «المسلم فیه»، داوطلبانی را هدف قرار داده که ارکان بیع سلم را نمی‌شناسند. با دیدن کلمه «المسلم فیه»، داوطلب مسلط بلافاصله گزینه‌هایی که به مطلق بیع (گزینه‌های ۱ و ۳) یا عقود دیگر مانند اجاره (گزینه ۲) اشاره دارند را رد کرده و مستقیماً گزینه ۴ را انتخاب می‌کند.

جدول مقایسه ای:

اصطلاح فقهی در بیع سلم	معادل در حقوق مدنی	ماهیت و توضیح
مُسَلِّم (Muslim)	خریدار (مشتري)	شخصی که ثمن را پیش‌پیش در مجلس عقد می‌پردازد.
مُسَلَّم الیه (Muslim Ilayh)	فروشنده (بایع)	متعهد به تحویل کالای کلی در سررسید مشخص.
مُسَلَّم / رأس المال (Musallam)	ثمن (بهای معامله)	وجه یا مالی که نقدأ و قبل از تفرق پرداخت می‌شود.
مُسَلَّم فیه (Muslim Fih)	مبیع (کالای مورد معامله)	مال کلی فی الذمه که تحویل آن مؤجل (مدت‌دار) است.

موضوع سوال: موضوع این عبارت فقهی، بررسی اعتبار معامله غبنی (فروش کالا به کمتر یا بیشتر از قیمت واقعی و ارزش بازاری آن) و مرز بین اصل آزادی اراده در تعیین ثمن و بطلان عقد به دلیل سفاهت است. گزینه ۳ به درستی و با دقت، ترجمه و مفهوم شرطی بخش اول عبارت (فروش به کمتر از قیمت) را بیان می‌کند و جواز چنین معامله‌ای را منوط به عدم صدق عنوان «سفاهت» بر این اقدام می‌داند.

پاسخ تشریحی: در فقه امامیه و حقوق مدنی (مبنتی بر اصل حاکمیت اراده)، طرفین معامله در تعیین میزان ثمن آزاد هستند و هیچ الزامی وجود ندارد که ثمن دقیقاً معادل «ارزش واقعی یا بازاری» کالا باشد. عبارت «يجوز بيع المتاع بدون قيمته و أضعافها» صراحتاً به این اصل اشاره دارد که فروش کالا به کمتر از ارزش واقعی آن (دون قيمته) یا چند برابر آن (أضعافها) جایز و صحیح است. با این حال، مقنن شرعی یک حد یقف برای این آزادی تعیین کرده است: «إلا أن يؤدي إلى السفه». هرگاه تفاوت بین ثمن تعیین شده و ارزش واقعی کالا به قدری فاحش و غیرعقلایی باشد که عرف این اقدام را نشانه اختلال در عقل معاش (سفاهت) بداند،



معامله به دلیل فقدان قصد عقلایی و خروج از دایره تصرفات عقلا (سفه) باطل خواهد بود. گزینه ۳ دقیقاً همین مفهوم را در خصوص «فروش به کمتر از قیمت» (مربوط به فروشنده) به درستی منعکس می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های ۱ و ۴ به دلیل ترجمه نادرست واژه «بدون قیمت» انحرافی هستند. در زبان عربی، عبارت «دون قیمت» در این سیاق به معنای «کمتر از قیمت واقعی آن» است، نه «بدون ثمن» یا رایگان. عقد بیع ذاتاً یک عقد معوض است و بیع بدون ثمن اساساً باطل است، اما نه به دلیل سفاهت، بلکه به دلیل فقدان یکی از ارکان عقد (عوض). گزینه ۲ نیز کاملاً مردود است، زیرا جواز اولیه فروش به کمتر از قیمت را به طور کلی نفی کرده و آن را مطلقاً موجب سفاهت و بطلان دانسته است، که با صراحت کلمه «يجوز» در ابتدای متن در تضاد است.

راه حل تستی: طراح در این سؤال یک تله ترجمه‌ای بسیار ظریف کار گذاشته است. بسیاری از داوطلبان واژه «بدون» در عبارت فقهی «بدون قیمت» را با معنای رایج فارسی آن (فاقد، داشتن) اشتباه می‌گیرند و به سمت گزینه‌های ۱ و ۴ کشیده می‌شوند. در متون فقهی، این عبارت معادل «پایین‌تر از قیمت» است. با تشخیص این تله زبانی، گزینه‌های ۱ و ۴ بلافاصله رد می‌شوند و تقابل تنها بین جواز مشروط (گزینه ۳) و بطلان مطلق (گزینه ۲) باقی می‌ماند که کلمه «يجوز» تکلیف را روشن می‌کند.

جدول مقایسه‌ای:

نوع معامله	وضعیت تعادل ارزش‌ها	حکم فقهی و حقوقی	امکان انحلال
بیع متعارف	برابری نسبی ثمن و قیمت واقعی	صحیح و لازم	ندارد (مگر با سایر خيارات)
بیع محاباتی / غبنی	تفاوت ارزش در حد عقلایی و با انگیزه (کمتر یا بیشتر بودن ثمن)	صحیح	در صورت جهل، خیار غبن ایجاد می‌شود
بیع سفیهانه	تفاوت فاحش و جنون‌آمیز بدون هیچ انگیزه عقلانی	باطل (به دلیل سفاهت در تصرف)	فاقد اثر حقوقی است (نیاز به فسخ ندارد)

۳. گزینه ۱)

موضوع سوال: موضوع اصلی این سؤال، بررسی یکی از راهکارهای فقهی (حیل شرعی) برای رهایی از ربای معاوضی و تبیین ماهیت حقوقی واژه «یتبارء» در فرآیند سقوط تعهدات است. گزینه ۱ به درستی معنای لغوی و اصطلاحی این واژه را که معادل «ابراء دوطرفه و متقابل» است، منعکس می‌نماید.

پاسخ تشریحی: واژه «یتبارء» از ریشه «براء» (ب-ر-ء) و در قالب باب «تفاعل» صرف شده است. در ادبیات عرب و اصول فقه، باب تفاعل عموماً بر مشارکت و اقدام دوطرفه (بین الاثنین) دلالت دارد. بنابراین، «یتبارء» به معنای آن است که دو شخص متقابلاً یکدیگر را ابراء (بری‌الذمه) کنند. در متن فقهی مطروحه، راه فرار از ربا چنین توصیف شده است: به جای معاوضه ربوی دو کالای هم‌جنس با مقادیر نابرابر، هر یک از دو طرف مالی را به دیگری قرض می‌دهد. پس از قبض (که موجب انتقال مالکیت در قرض و اشتغال ذمه می‌شود)، هر دو طرف به صورت ارادی و متقابل، از طلب خود چشم‌پوشی کرده و ذمه طرف مقابل را «ابراء» می‌کنند. در حقوق مدنی نیز ابراء ماهیتی ایقاعی دارد که به موجب آن داین به اختیار خود از حق دینی خویش صرف‌نظر می‌کند.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه ۲ (تهاتر) نادرست است؛ زیرا تهاتر در فقه و حقوق، یک واقعه حقوقی است که به صورت «قهری» و با اجتماع شرایط قانونی رخ می‌دهد، در حالی که واژه «یتبارء» مستلزم اراده انشایی و اقدام آگاهانه طرفین برای اسقاط دین است. گزینه ۳ نیز مخدوش است؛ زیرا «مالک ما فی الذمه شدن» و اشتغال ذمه، اثر مستقیم خود عقد قرض و قبض پیش از آن است (همان‌طور که در متن آمده: «الموجب لملك کل منهما ما اقترضه»)، نه معنای کلمه «یتبارء» که مرحله اسقاط دین است. گزینه ۴ نیز کاملاً انحرافی است؛ زیرا خود متن در ادامه تصریح می‌کند: «و مثله ما لو وهب...» (و شبیه این حالت آن است که هبه کنند). کلمه «مثله» اثبات می‌کند که عمل اول (یتبارء) ماهیتاً ابراء بوده و هبه صرفاً یک روش «مشابه» و جایگزین برای آن است.

راه حل تستی: طراح در این سؤال یک راهنمای قطعی برای رد گزینه‌ها در خود متن پنهان کرده است. وجود عبارت «و مثله ما لو وهب...» در انتهای متن، فوراً گزینه ۴ (هبه) را از گردونه رقابت خارج می‌کند، زیرا هبه عمل مشابه آن است، نه ترجمه آن. از سوی دیگر، آشنایی با قواعد ساده ریشه‌یابی لغات عربی (ب-ر-ء) داوطلب را بدون هیچ تردیدی به کلمه «ابراء» در گزینه ۱ هدایت می‌کند.



جدول مقایسه ای:

نهاد حقوقی	ماهیت و اراده	مکانیزم اجرا در سقوط تعهدات	امکان وقوع متقابل
ابراء (یتبارء)	ایقاع (عمل حقوقی یک‌طرفه)	اسقاط ارادی حق دینی توسط داین	بله (هر کدام مستقلاً ایقاعی انجام دهند)
تهاتر	واقعه حقوقی قهری	سقوط متقابل دو دین به دلیل تقابل	ذاتاً دوطرفه و قهری است (نیاز به انشا ندارد)
هبه دین	عقد (نیازمند ایجاب و قبول)	تملیک مجانی دین به خود مدیون	بله (در قالب دو عقد هبه مجزا)

۴. گزینه ۲)

موضوع سوال: موضوع اصلی این سؤال، تبیین احکام و ماهیت «بیع تولیت» به عنوان یکی از اقسام «بیوع امانات» (فروش مبتنی بر اعلام قیمت خرید) در فقه امامیه است. گزینه ۲ دقیقاً منعکس‌کننده ماهیت این عقد است؛ زیرا تولیت به معنای انتقال مبیع به خریدار جدید، دقیقاً به همان «قیمت تمام‌شده» (ثمن اصلی به‌علاوه هزینه‌های جانبی) بدون هیچ‌گونه سود یا زیان است.

پاسخ تشریحی: در فقه، فروش کالا با توجه به اطلاع دادن یا ندادن مشتری از قیمت خرید اولیه، به چهار دسته تقسیم می‌شود (مساومه، مراحه، تولیت و مواضعه). عبارت فقهی «التولية هي الإعطاء برأس المال» صراحتاً بیان می‌کند که تولیت، واگذاری کالا به همان سرمایه اولیه (راس‌المال) است. اما نکته کلیدی در عبارت «بعد علمهما بالثمن و ما تبعه» نهفته است. عبارت «ما تبعه» (آنچه به تبع ثمن می‌آید) شامل تمامی هزینه‌های متعارفی است که فروشنده برای کالا متحمل شده است (مانند هزینه حمل، انبارداری، دلالی و غیره). بنابراین، ترکیب «ثمن اصلی + ما تبعه» در ادبیات حقوقی و تجاری امروز، دقیقاً معادل «قیمت تمام‌شده» است. همچنین عبارت پایانی «أو بما قام علیه» (یا به آنچه برای او تمام شده است) مهر تأیید دیگری بر صحت قطعی گزینه ۲ است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- **رد گزینه ۱:** متن تصریح دارد که خریدار باید مثل ثمن را بپردازد: «لزمه مثله جنساً و قدراً و صفه» (بر او لازم است مثل آن را از حیث جنس، مقدار و وصف بدهد). ادای «مثل» تنها در اموال مثلی (مانند پول، گندم) امکان‌پذیر است. اگر ثمن اولیه مال قیمی (مانند یک اسب خاص) بوده باشد، از آنجا که مال قیمی مثل ندارد، انتقال آن به روش تولیت دچار اشکال فقهی است (مگر آنکه خریدار دوم مالک همان عین باشد). بنابراین، ثمن اصولاً باید مثلی باشد.
 - **رد گزینه ۳:** این گزینه با قید انحصاری «فقط» به راحتی رد می‌شود. متن صراحتاً یک راه جایگزین معرفی کرده است: «و لو قال: بعته»، «أكملة بالثمن...» (و اگر بگوید فروختم به تو، باید آن را با ذکر ثمن کامل کند). این یعنی استفاده از صیغه عام «بیع» نیز با ذکر قیمت مجاز است و انحصاری به صیغه «ولیتک» ندارد.
 - **رد گزینه ۴:** همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، عبارت «و ما تبعه» (و هزینه‌های تابع آن) صراحتاً اجازه می‌دهد که هزینه‌های تحمل‌شده به ثمن افزوده شده و جزء قیمت تمام‌شده محاسبه گردد. بنابراین گزینه ۴ کاملاً در تضاد با متن است.
- راه حل تستی:** در سؤالات متون فقه، وجود کلمات حصر مانند «فقط»، «همواره» و «مطلقاً» در ۹۰ درصد موارد نشان‌دهنده یک گزینه انحرافی است. با دیدن کلمه «فقط» در گزینه ۳ و تطبیق آن با بخش پایانی متن عربی (و لو قال: بعته...) این گزینه در ثانیه‌های اول حذف می‌شود. همچنین، ترجمه دقیق عبارت «بما قام علیه» که یک اصطلاح رایج به معنای «قیمت تمام‌شده» است، داوطلب را مستقیماً و بدون اتلاف وقت به گزینه ۲ می‌رساند.

۵. گزینه ۴)

موضوع سوال: موضوع اصلی این سؤال، بررسی یکی از استثنائات فقهی در شرایط صحت عقد حواله است که در آن، برخلاف قواعد عمومی، رضایت «مُحیل» (مدیون اصلی) شرط نیست. این نهاد فقهی که ماهیتی شبیه به «حواله تبرعی» یا ایفای دین از جانب ثالث دارد، چگونگی انعقاد عقد حواله را صرفاً میان «محال‌علیه» (شخص متبرع) و «محتال» (طلبکار) تبیین می‌کند.

پاسخ تشریحی: طبق قواعد عمومی باب حواله در فقه امامیه و حقوق مدنی (همسو با ماده ۷۲۴ قانون مدنی)، حواله عقدی است که نیازمند توافق سه‌جانبه یا حداقل ایجاب از سوی محیل (بدهکار) و قبول از سوی محتال و محال‌علیه است. با این حال، عبارت فقهی مطروحه یک استثنای دقیق را بیان می‌کند: زمانی که شخص ثالثی (محال‌علیه) قصد دارد از روی تبرع، بدهی مدیون اصلی را



بپذیرد و بپردازد. متن عربی صراحتاً مقرر می‌دارد: «یستثنی من اعتبار رضی المحیل...» (رضایت محیل استثنا می‌شود و شرط نیست).

دلیل این حکم فقهی آن است که ایفای دین دیگری بدون اذن او، جایز است («لأنه وفاء دینه بغیر اذنه» که با فلسفه ماده ۲۶۷ قانون مدنی مطابقت دارد). در این حالت خاص، ارکان عقد حواله تنها با ایجاب محال‌علیه («أحلتک بالدين الذی لک علی فلان علی نفسی» و قبول محتال («فیقبل»)) شکل می‌گیرد. جمله «فیقومان برکن العقد» تأکید دارد که این دو نفر (محال‌علیه و محتال) به تنهایی ستون‌های عقد را برپا می‌کنند. بنابراین، عقد مستقیماً بین این دو شخص منعقد شده و محال‌علیه بدهی مدیون اصلی را بدون نیاز به اذن وی پرداخت می‌نماید که این فرایند دقیقاً در گزینه ۴ توصیف شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌های ۱ و ۳ از اساس نادرست هستند؛ زیرا هر دو ادعا می‌کنند عقد حواله در این فرض بین «محیل و محتال» منعقد شده است. این در حالی است که متن صراحتاً ایجاب را از سوی «محال‌علیه» و قبول را از سوی «محتال» می‌داند و محیل اصلاً در ارکان این عقد دخالتی ندارد. گزینه ۲ نیز مردود است؛ اگرچه انعقاد حواله بین محال‌علیه و محتال را به درستی اشاره کرده، اما در ادامه ادعا می‌کند «شخص ثالثی» بدهی را می‌پردازد. در فرض سؤال، خود «محال‌علیه» همان شخص ثالث و متبرعی است که دین را بر عهده می‌گیرد و شخص دیگری خارج از این رابطه وجود ندارد.

راه حل تستی: تله اصلی طراح در این سؤال، تشخیص دقیق طرفین عقد در عبارت «فیقومان برکن العقد» است. داوطلب باهوش با دیدن جمله «یقول المحال علیه للمحتال... فیقبل»، فوراً درمی‌یابد که طرفین این عقد استثنایی، «محال‌علیه» و «محتال» هستند. همین یک نکته طلایی کافی است تا گزینه‌های ۱ و ۳ در ثانیه اول خط بخورند. در گام دوم، عبارت «بغیر اذنه» (بدون اذن او) در متن عربی، مستقیماً کلمه «بدون اذن وی» در گزینه ۴ را تأیید کرده و پرونده سؤال را می‌بندد.

جدول مقایسه‌ای:

نوع حواله	جایگاه محیل (مدیون)	جایگاه محتال (طلبکار)	جایگاه محال‌علیه (شخص ثالث)	وضعیت رضایت محیل
حواله متعارف	ایجاب‌کننده و طرف اصلی	قبول‌کننده اول	قبول‌کننده دوم (جهت براثت ذمه)	رکن اساسی و شرط صحت عقد
حواله تبرعی (موضوع سؤال)	خارج از ارکان عقد	قبول‌کننده ایجاب	ایجاب‌کننده (داوطلب انتقال دین)	شرط نیست (مشابه وفای به عهد غیر)

۶. گزینه ۲

موضوع سوال: موضوع اصلی این سؤال، بررسی ماهیت «لزوم و جواز» در عقد جعاله نسبت به طرفین (جاعل و عامل) در مراحل مختلف اجرای کار است. گزینه ۲ به درستی و با دقت کامل، حکم شرعی و حقوقی وضعیت جاعل را پس از شروع به کار توسط عامل بیان می‌کند و تفاوت وضعیت حقوقی کار انجام‌شده با کار باقی‌مانده را به خوبی به تصویر می‌کشد.

پاسخ تشریحی: در فقه امامیه و حقوق مدنی (مبتنی بر ماده ۵۶۵ قانون مدنی)، جعاله ذاتاً در زمره عقود جایز قرار دارد و هر یک از طرفین علی‌الاصول می‌توانند آن را فسخ کنند. با این حال، متن فقهی مطروحه (که برگرفته از متون معتبر فقهی مانند لمعه دمشقیه است) این جواز را به شکلی ظریف تفکیک می‌کند:

- **بالنسبه به عامل:** عقد در هر حالتی جایز است («من طرف العامل مطلقاً»). عامل می‌تواند هر زمان که بخواهد کار را رها کند.
- **بالنسبه به جاعل:** وضعیت جاعل دارای دو مرحله است: ۱. پیش از شروع کار: عقد برای جاعل کاملاً جایز است و می‌تواند از آن رجوع کند («قبل التلبس بالعمل»). ۲. پس از شروع کار توسط عامل: در این حالت، متن مقرر می‌دارد «فجائزة بالنسبة إلى ما بقى من العمل». این یعنی حق رجوع جاعل، صرفاً محدود به بخش باقی‌مانده و انجام‌نشده از کار است. مفهوم مخالف و اثر حقوقی این عبارت آن است که نسبت به بخش «انجام‌شده»، جاعل دیگر حق رجوع بدون اثر را ندارد و عقد نسبت به آن بخش «لازم» محسوب می‌شود. دلیل این امر، احترام به عمل مسلم، جلوگیری از تضییع حقوق عاملی که بخشی از کار را با اعتماد به ایجاب جاعل انجام داده، و اجرای قاعده فقهی لاضرر است. در نتیجه این لزوم، در صورت فسخ جاعل در اثنای کار، وی مکلف است اجرت‌المثل عمل انجام‌یافته (یا در جعاله خاص، سهمی از جعل المسمی) را به عامل بپردازد.



بررسی سایر گزینه ها:

- **رد گزینه ۱:** این گزینه حکم را کاملاً وارونه و برعکس بیان کرده است؛ زیرا بخش انجام‌نشده را لازم و انجام‌شده را جایز دانسته که با نص صریح عبارت عربی (که جواز را برای ما بقی ثابت می‌داند) در تضاد مطلق است.
 - **رد گزینه ۳:** این گزینه عقد را به طور مطلق پس از شروع، «لازم» می‌داند. این دیدگاه اشتباه است، زیرا جاعل هنوز هم حق منصرف شدن از ادامه کار را دارد (جواز در بخش باقی‌مانده) و ملزم نیست عامل را به اتمام کل کار وادار کند.
 - **رد گزینه ۴:** این گزینه عقد را به طور مطلق «جایز» می‌پندارد و لزوم حفظ حقوق عامل در بخش انجام‌شده را نادیده می‌گیرد که به معنای نادیده گرفتن قید «ما بقی» در صورت سؤال است.
- راه حل تستی:** تله اصلی طراح در این سؤال، اتکا به «مفهوم مخالف» در اصول فقه است. طراح می‌داند که بسیاری از داوطلبان با دیدن کلمه «فجائزه» در پایان متن، بلافاصله نتیجه می‌گیرند که عقد در همه حال جایز است (و به دام گزینه ۴ می‌افتند). تکنیک طلایی این است: وقتی مقنن یا فقیه حکمی را مقید به قیدی می‌کند (مانند «بالنسبة إلى ما بقی»)، یعنی نسبت به غیر آن قید، حکم متضاد جاری است. بنابراین، **جواز در «ما بقی» (باقی‌مانده) = لزوم در «ما مضی» (انجام‌شده)**. با درک این فرمول ساده، مستقیماً به گزینه ۲ می‌رسید.

جدول مقایسه ای:

طرف عقد	زمان بررسی	وضعیت عقد	اثر حقوقی فسخ
عامل	پیش از شروع یا اثنای کار	جایز مطلق	در صورت رها کردن کار در اثناء، مستحق هیچ اجرتی نیست (مگر در جعاله‌ای که مقصود اجزای عمل باشد).
جاعل	پیش از شروع کار (تلبس)	جایز	انحلال عقد بدون هیچ‌گونه تعهد مالی.
جاعل	اثنای کار (نسبت به کار انجام‌شده)	لازم	ملزم به پرداخت اجرت‌المثل عمل انجام‌یافته به عامل است.
جاعل	اثنای کار (نسبت به کار باقی‌مانده)	جایز	حق دارد از ادامه کار منصرف شود و عامل را متوقف کند.

۷. گزینه ۱)

موضوع سوال: موضوع اصلی این سؤال، بررسی حکم وضعی و صحت اجاره مال مشاع در فقه امامیه است. بر اساس متون فقهی و اصول حقوقی، اشاعه در مالکیت مانعی برای صحت عقد اجاره ایجاد نمی‌کند. گزینه ۱ به درستی و انطباق کامل با متن مبین آن است که اجاره مال مشاع، خواه مستأجر آن خود شریک باشد و خواه شخص ثالث، از نظر وضعی کاملاً صحیح و نافذ است.

پاسخ تشریحی: عقد اجاره تملیک منفعت عین در برابر عوض معلوم است. در فقه و حقوق، شرط اساسی در مورد عین مستأجره آن است که انتفاع از آن با بقای عین ممکن باشد. متن فقهی با قاعده عمومی «کلما یصح الانتفاع به مع بقاء عینه تصح إجارته» آغاز می‌شود. سپس صراحتاً مال مشاع را نیز مشمول این قاعده دانسته و می‌فرماید: «منفرداً کان أو مشاعاً». دلیل معتقدان به بطلان یا عدم نفوذ اجاره مال مشاع، عدم امکان تسلیم مادی عین بدون تصرف در سهم شریک دیگر است. اما نویسندگان متن این مانع را رد کرده و می‌نویسد: «إذ لا مانع من المشاع باعتبار عدم القسمة»؛ چراکه استیفای منفعت با موافقت و اذن شریک مادی کاملاً امکان‌پذیر است («لإمكان استيفاء المنفعة بموافقة الشريك»). در نهایت، متن هرگونه تفاوت در شخص مستأجر را نفی کرده و می‌گوید: «و لا فرق بین أن يؤجره من شریکه و غیره». این دیدگاه فقهی دقیقاً در ماده ۴۷۵ قانون مدنی ایران تجلی یافته است که مقرر می‌دارد: «اجاره مال مشاع جائز است ولی تسلیم عین مستأجره موقوف است به اذن شریک»؛ بنابراین خود عقد کاملاً صحیح و نافذ است و موافقت شریک تنها شرط مادی تسلیم عین است، نه شرط صحت خودِ عقد.